

نمایندگان کارگران خواستار شدند
تخصیص ضرب‌سختی کار به
معادن زغال سنگ کرمان



جلسه‌ای به منظور بررسی مطالبات غیر مزدی کارگران سه معدن همکار، هشونی و پابدانا با حضور نماینده شهرستان‌های زرنند و کوهپنجان تشکیل شد.

نمایندگان کارگران حاضر در جلسه به خبرنگار ایلنا، گفتند: تخصیص ضرب‌سختی کار، مهمترین دغدغه کارگران است. ما در این جلسه به نامه‌نگاری‌های صورت گرفته و پیگیری‌های انجام شده خود اشاره و تاکید کردیم که این موضوع باید به سرانجام برسد. نماینده زرنند و کوهپنجان جهت معرفی نماینده صندوق بازنشستگان برای حضور در کمیسیون صنعت و معدن مجلس قول مساعد دادند تا قبل از آنکه بودجه سال آینده به مجلس آورده شود در رابطه با بار مالی آن تمهیدات لازم اندیشیده شود.

آنها افزودند: اجرای مفاد قانونی چند ماده مرتبط قانون کار جهت اجرای صحیح مورد بحث و گفتگو قرار گرفت که امید است به اجرا درآید. تخصیص بودجه جهت تجهیزات نوین و جایگزینی وسایل فرسوده نیز از دیگر خواسته‌های منتخبین کارگری بود که مورد توجه نماینده زرنند و کوهپنجان قرار گرفت. در این جلسه تعلیل پاسخ گویی وزارت کار به بازرسی کل کار استان در رابطه با کار سخت و زیان آور نیز بازگو شد تا پیگیری‌های لازم از طریق نماینده کوهپنجان صورت پذیرد و پاسخ آن به کارگران اعلام شود. نمایندگان کارگران ابراز امیدواری کردند که مشکلات این قشر مظلوم برطرف و امید به زندگی در آنها تقویت شود.

به وعده‌ها عمل نشد

عدم پرداخت پاداش با بیان خدمت
بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان

نمایندگان بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان می‌گویند: مسئولان به وعده‌های خود در زمینه پرداخت پاداش پایان خدمت عمل نکردند. این بازنشستگان که در سال ۹۶ خدمت ۳۰ ساله آنها به پایان رسیده، چهاردهم مرداد به تهران آمدند و مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان تجمع کردند؛ روز بعد نیز با مدیران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دیدار کردند و در آن نشست قرار شد به زودی پاداش پایان خدمت آنها پرداخت شود. حال نمایندگان بازنشستگان می‌گویند: مدیران سازمان مدیریت وعده دادند که به زودی معوقات مسا را پرداخت کنند؛ آنها گفتند ۱۴ میلیارد تومان به دانشگاه فرهنگیان اختصاص می‌دهیم تا صرف پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان ۹۶ شود؛ حتی نوبخت اعلام کرد همزمان با پرداخت قسط دوم پاداش پایان خدمت دانشگاه فرهنگیان نیز پرداخت می‌شود. حالا حدود یک هفته است که قسط دوم را برای معلمان بازنشسته ریخته‌اند، اما ریلی به حساب ما واریز نشده است. این بازنشستگان می‌گویند: باره‌ها پیگیری کردیم اما هنوز مشخص نیست به نغم گذشت ۱۵ ماه از پیشینه بازنشستگی، چه زمانی قرار است معوقات ما را بپردازند.

در پی اقدام به خودکشی صورت گرفت

پرداخت مطالبات کارگر معترض
کارگران آتش نشانی تهران؛ از پرداخت مطالبات

مزدی کارگری خیر دادند که در بزرگراه اشرفی اصفهانی تهران اقدام به خودکشی کرده بود. آتش‌نشان‌ها در تماس با خبرنگار ایلنا، گفتند: پیمانکار مربوطه معوقات مزدی کارگر معترض را پرداخت کرد. پس از آن، این کارگر ساختمان از بالای ساختمان پایین آمد. با پایین آمدن کارگر از بالای ساختمان مرتفع، آتش‌نشان‌ها نیز محل حادثه را ترک کردند. صبح دپروژ یک کارگر ساختمانی در بزرگراه اشرفی اصفهانی تهران در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه معوقات مزدی، با رفتن بالای یک ساختمان مرتفع، اقدام به خودکشی کرد.

وزارت صنعت هر چه سریعتر به مجادله قطعه‌سازی‌ها و خودروسازی‌ها ورود کند

موج بیکاری ۴۵۰ هزار نفر در قطعه‌سازی‌ها کلید خورد



عضو کارگری شورای عالی کار از گرو قرار دادن امنیت شغلی کارگران در مجادله بین قطعه‌سازی‌ها و خودروسازی‌ها انتقاد کرده و گفت: وزارت صنعت، معدن و تجارت باید هر چه سریعتر به این موضوع ورود کند تا کارگران به خاطر حجم بالای مطالبات قطعه‌سازی‌ها بیکار نشوند. به گزارش خبرنگار ایلنا، با افزایش رقم بدهی خودروسازان به شرکت‌های قطعه‌سازی، بار دیگر از بیکاری احتمالی صدها هزار کارگر قطعه‌ساز در ماه‌های سخن رانده می‌شود.

دبیر انجمن قطعه‌سازان به ایلنا گفت: هفته پیش طی نامه‌ای به وزیر کار به طور رسمی اعلام کردیم که از شهر پورماه آماده موج بیکاری ۴۵۰ هزار نفر در قطعه‌سازی‌ها باشند.

گزارش

گزارش ایلنا از مرکز خدمات درمانی بازنشستگان فولاد:

اینجا کسی «ریه» ندارد

نسرین هزاره مقدم

بازنشستگان فولاد در چهار راه ولیعصر تهران از دردهایشان می‌گویند: از هزینه‌های بالای دارو و درمان و از اینکه مجبورند از شهرستان بیایند تهران و مداوا شوند؛ اکثر این بازنشسته‌ها بیماری‌های ریوی و تنفسی دارند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، حوالی ظهر، چهارراه ولیعصر؛ مرکز خدمات درمانی بازنشستگان فولاد؛ جایی که معدنکاران قدیمی بساط دردهایشان را پهن می‌کنند. اینجا همه جور لهجه‌ای به گوش می‌خورد؛ از همه سن و سالی مراجعه‌کننده هست. برخی بازنشسته‌های اصلی هستند؛ بعضی هم مستمری بگیر تبعی هستند، همسر یا پدر متوفایشان فولادی بوده‌است؛ همه نسخه در دست آمده‌اند که هزینه‌های هنگفت درمانی را دریافت کنند... بعضی بازنشسته‌ها با فرزندان نشان آمده‌اند؛ مسن‌ترها نشسته‌اند و جوان‌ها پای باجه‌ها منتظر نوبت هستند؛ برخی هم خودشان عصار دست از این باجه به آن باجه، از این طبقه به آن طبقه می‌روند...

نفر اول - بازنشسته‌ی معدن سنگ آهن بافق

«وضع سلامت مراجعان اینجا خوب نیست؛ اینجا کسی ریه ندارد!» این اولین جمله‌ای است که به زبان می‌آورد؛ بعد می‌رود سراغ باقی درد دل‌ها: باید از بافق بیایم تهران برای تایید نسخه‌های درمانی؛ برای درمان تخصصی برخی داروها هم سخت گیر می‌آید؛ یکی، دو ماهی است که برخی از داروها اصلاً پیدا نمی‌شوند یا اینکه دیگر نمونه خارجی که همیشه مصرف می‌کردیم در بازار نیست؛ نمونه‌های ایرانی را به سختی در تهران پیدا کردیم. فرانشیز ویزیت پزشک هم ۱۰ درصد شده، زمانی فقط ۵ درصد بود؛ حالا سهم بازنشسته از ویزیت و مراجعه برای درمان، ۱۰ درصد است که با افزایش نرخ‌ها این ۱۰ درصد، مبلغ زیادی است. همه درد اینها نیست که ۴۰ سال در معدن سنگ آهن بافق زحمت کشیدیم؛ در گرمای ۶۰ درجه در دل کویر، منته در زمین فرو کردیم و آهن برش داریم؛ حالا هنوز هم باید سختی بکشیم... از جوانی تا پیری، از بیری تا بکی؟!»

صنعت باید به این قضایا رسیدگی کند. مگر در این وضعیت امنیت شغلی و معیشتی دغدغه‌های کارگران کم است که هر کسی به هر دلیلی دنبال منفعتی است یا مثلاً دنبال دریافت وام است؛ سریع کارگر را گرو می‌گیرد و اعلام می‌کند که چاره‌ای جز تعدیل برایمان باقی نمانده است؛ گاهی برای اینکه بتوانند حرفشان را به کرسی بنشانند، یک تعداد کارگر را به صورت صوری اخراج می‌کنند تا به خواسته‌های خود برسند. ما فعالان کارگری باید این رویه ناصواب را که به منظور باج خواهی روال شده است، قویا محکوم کنیم.

آسودگی که خودروسازها از محل اختلاف قیمت فروش خودرودر بازار با کارخانه به جیب می‌زنند
برای پرداخت طلب ۱۰هزار میلیارد تومانی قطعه‌سازان که برخی حتی آن را کمتر از این مقدار (۵ تا ۸ هزار میلیارد تومان) برآورد می‌کنند، کافی نیست؟

مگر راهکارهای قانونی برای وصول مطالبات آنها وجود ندارد؟ چرا بلافاصله تا اتفاقی می‌افتد، تهدید همه می‌شود، اخراج کارگر؟ علی‌حدایی افزود: دولت و وزارت

می‌کنند تا پس از خاتمه قرارداد کار به راحتی دست به تعدیل آنها بزنند، گفت: گاهی شرکت‌ها بهانه می‌آورند که در جنگ اقتصادی هستیم و دشمن کمرمان را شکسته است. بهانه می‌آورند که داریم ضرر می‌دهیم. بهانه می‌آورند که دولت پشت‌مان نیست. پرسش این است که ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانتهی که از محل واردات با دلار ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی نصیب شرکت‌ها شده، کجا رفته است؟ مگر همین مونتاژکاران و خودروسازان نبودند که براساس آمار کمرک در سه ماهه منتهی به پایان خردادماه سال جاری بازار ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی که باید برای کالاهای اساسی اختصاص می‌یافت، حدود ۷۸۰ میلیون دلار انواع قطعات خودرو را به کشور وارد کردند.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران افزود: انحصار بازار خودرو که دست خودروسازهاست و مردم مجبور هستند که خودرودر را با هر قیمتی از خودروسازان ایرانی بخرند. این رانست موجود در صنعت خودروسازی چیست که طلب قطعه‌سازان را نمی‌دهد؟ چرا قطعه‌سازان از راه‌های قانونی برای رسیدن به مطالبات خود اقدام نمی‌کنند و بلافاصله کارگران را وجه‌المصالحه قرار می‌دهند؟

وی با بیان اینکه البته برخی از این تهدیدها قرار نیست که اجرایی شوند و قطعه‌سازان صرفاً می‌خواهند با تهدید کردن دولت را تحت فشار بگذارند، تصریح کرد: پرسشی که باید برای افکار عمومی و همه کسانی که امروز دغدغه بیکاری مردم را دارند و سنگ کارگران را به سینه و دائم دم از تولید ملی در فضای عاری از رانت می‌زنند، مطرح باشد این است که درآمد شرکت‌های خودروسازی چقدر است و به کجا می‌رود؟ یافتن پاسخ این پرسش که حدس‌هایی

خودروسازها چه مشکلی دارند که طلب قطعه‌سازی‌ها را پرداخت نمی‌کنند؟ مگر راهکارهای قانونی برای وصول مطالبات آنها وجود ندارد؟ چرا بلافاصله تا اتفاقی می‌افتد، تهدید همه می‌شود، اخراج کارگر؟

هم برای آن می‌زنیم ضروری است؛ چراکه قطعه‌سازان می‌گویند ۱۰ هزار میلیارد تومان از خودروسازی‌ها طلب داریم. آیا سودی که خودروسازی‌ها از محل اختلاف قیمت فروش خودرودر بازار با کارخانه به جیب می‌زنند برای پرداخت این طلب ۱۰ هزار میلیارد تومانی که برخی حتی آن را کمتر از این مقدار (۵ هزار میلیارد تومان تا ۸ هزار میلیارد تومان) برآورد می‌کنند، کافی نیست تا طلب قطعه‌سازان را پرداخت کنند؟

عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار با بیان اینکه اینها را باید کنار بازار انحصاری که رسیدن به مطالبات خودروسازان داخلی است، بگذاریم، گفت: بی‌کیفیت‌ترین خودروها را بالاترین قیمت تحویل مردم می‌دهند. دستگاه‌های نظارتی هم در این میان حقوق مشتریان و جان آنها را به امان خدا سپرده‌اند. پس اول باید مشخص شود که درآمد خودروسازی‌ها کجا می‌رود و چه می‌شود که مطالبات خودروسازان را نمی‌دهند؟ بعد باید مشخص شود که این چه رویه‌ای است که کارگر و فروشنده می‌شود؟ از این رو خواسته اصلی ما فعالان کارگری، ورود فوری وزارت صنعت، معدن و تجارت به درگیری‌های قطعه‌سازان و خودروسازهاست.



«اینها همه مدارک درمانی همسر است؛ هر بار که می‌آیم برای گرفتن پول یک نسخه، همه رامی آوریم؛ ممکن است اینها لازم شود؛ باید هر ماه ببایم برای دارو، هم داروهای همسر و هم داروهای خودم؛ سن و سالی از ما گذشته دیگر؛ مرضی پشت مریضی؛ کار کش نمی‌شود کرد؛ بچه‌ها هم ایران نیستند؛ خودمان تا کسی درست می‌گیریم نمی‌آیم؛ اینجا ماهی یک روز تا صبح تا ظهر، برخی داروهای خیلی گران شده؛ خارجی اش هم پیدا نمی‌شود؛ ایرانی اش را با معطلی و گشتن می‌شود پیدا کرد؛ صندوق پول نسخه‌ها را «گاهی» دیرمی‌پردازند؛ البته چند وقتی است اوضاع یک مقداری بهتر شده؛ همه چیز گران شده؛ دارویکی اش هست؛ دیگر از پس هزینه‌ها نمی‌آیم؛ زندگی ما بازنشسته‌های مستمری بگیر مثل ماشینی است که موتورش جواب کار دهد، روغن ریزی دارد؛ دلم «ریپ» می‌زند؛ حالاکمی باشد که کامل از کار بیفتند... همینطور از دردهای زندگی می‌گوید؛ اباعد که می‌فهمد برای نوشتن گزارش اینجا هستم؛ طرز نگاهش تغییر می‌کند؛ به‌دور نگاهم می‌کند و می‌گوید؛ دل‌تان خوش است؛ صدر تا ذیل کارمان مشکل دارد؛ اینجا هم یکیش؛ چی رامی خواهید بنویسید؟! اصلاً مگر فایده‌ای هم دارد؟! اینجا کسی ریه ندارد، و حال و حوصله هم ندارد... صحبت‌ها می‌کشد؛ حرف‌ها و درد دل‌ها تکراری است؛ موقع برگشتن است؛ نگاهم به صفحه بزرگ تلویزیون می‌افتد که در سرسرای درمانگاه روشن است؛ انگار میان برنامه‌است؛ بین تبلیغ هتل‌های لاکچری یا تری‌تی‌وی برندهای روشن کننده پوست، یکباره کل صفحه از یک جمله کلیشه‌ای پر می‌شود؛ دهه‌کرامت مبارک...»

می‌کنید یک معدنکار بازنشسته در این اوضاع وانفاس ورزش به پس‌انداز می‌رسد که برای روز مبادا چیزی در بساط داشته باشد؟ به خدا گاهی که ریه‌هایم خیلی اذیت می‌کند و می‌آیم تهران که در بیمارستان بستری شوم، سر راه از همه اقوام و در و همسایه، پول قرض می‌گیرم؛ شرم‌منده آنها می‌شوم اما با جیب خالی هم که نمی‌شود رفت در بیمارستان؛ می‌شود؟ مساله بعدی همین کمیسیون‌های دارویی است؛ من کارت صعب‌العلاجی دارم؛ دیگر کمیسیون دارویی چه صیغه‌ای است؟! هر داروی خاصی باید برود در کمیسیون و تایید شود تا مجوز صادر شود و بتوانند هزینه‌ها را پرداخت کنند. این همه کاغذبازی، این همه رفت و برگشت؛ دمار از روزگار بازنشسته درمی‌آورد.

بیمار صعب‌العلاج مشخص است که داروهای «خاص» مصرف می‌کند؛ اینکه دیگر کمیسیون و معطلی نمی‌خواهد؛ فرض کنید پسرک کار داشته باشد و نتواند هر بار همراه من بیاید تهران، یا بازنشسته بخت برگشته‌ای باشد که فرزندانش به‌باشد؛ آن وقت تکلیف چیست؟ با این ریه‌های داغان چطور می‌خواهد از این اتاق به آن اتاق برود دنبال نتیجه کمیسیون و پرونده‌و...؟

نفر چهارم - همسر یک بازنشسته فولادی

این خانم همراه همسرش آمده‌رومی‌تیمکت نشسته و منتظر است تا همسرش کارش تمام شود؛ کیف رو دوشی اش پر است از کاغذ و پرونده؛ چقدر کاغذ؟ چه خبر است؟ چرا اینقدر مدرک و کاغذ همرا هتان است؟